



### اهمیت خانواده و مدرسه

کودک در محیط حیات جامعه رشد میکند و بیش از همه از دو محیط تاثیر میگیرد ، خانواده ، مدرسه ، خانواده از لحاظ مکتب ما دارای نقش بنیادی در باره کودک و بیش از مدرسه مسئول صلاح و فساد اوست زیرا طفل بر اساس تربیت اسلامی تا ۷ سال در خانه و در کنار مادر است . پایه‌های اخلاق ، رفتار و شخصیت کودک در آنجا گذارده میشود . خانه مرکز آموزش اخلاق ، عزت نفس ، رشادت و شجاعت ، عفو و اکرام ، دفاع از خود و جامعه است ، خاطرات کودک از خانواده و محیط بحدی است که حتی بسیاری

کودک بین  
خانواده و مدرسه

از آنها را تا پایان عمر هم از یاد نمیرد .  
درعین حال از نظر مکتب ما مدرسه نیز  
مرکزی مهم برای رنگ گرفتن اندیشه‌ها و  
عقاید است ، کودک از آنجا درس زندگی ،  
اخلاق و پایه گذاری عادات و رفتار نیک یا بد  
را بدست می‌آورد . حتی بسیاری از مکتوبات  
طفل در مدرسه میتواند مسیر زندگی او را  
عوض کنند .

در جمع میتوان گفت خانه و مدرسه مسئول  
بسیاری از بدبختیها ، جنایت‌ها ، مصیبتها  
ناسازگاریها ، بی‌نظمی‌ها ، انحرافات  
و جهت گیری‌های فکری خاص است بهمین نظر  
این دو محیط را باید از آلودگی دور داشته  
و مایه شادمانی و نشاط روانی طفل را در آن  
فراهم ساخت .

#### قدرت خانواده و مدرسه

خانه و مدرسه دارای قدرتی فوق‌العاده  
هستند ، آنچنان که حتی میتوانند کودک را  
به صورتی خاص و با آداب و رفتاری مخصوص  
بار آورند . او را فردی خادم یا خائن  
بسازند .

خانه و مدرسه میتوانند استعداد های نهان  
کودک را عیان کنند ، امکانات او را از قوه به  
فعل در آورند ، قابلیت وار او را بی‌پرورانند  
شخصیت کودک را در او رشد دهند و یا او  
را خوار و ناچیز بار آورند .

این دو نهاد میتوانند در کودک جنبه  
اعتماد به نفس پدید آورند و یا جنبه

استقلال و اعتماد او را درهم بشکنند ، کودک  
را فردی آزاد بار آورند یا طفیلی ، او را  
برای زندگی آینده فردی مصمم و پیرکوش  
بسازند یا تن پرور و بی اراده .

بهمین نظر در اسلام ضوابطی برای تشکیل  
خانواده و نیز مقرراتی برای انتخاب معلم  
مطرح است . خدمت ما برای والدین و معلمان  
ملاکها و معیارهائی مشخص کرده است که آنها  
ناگزیر بد رعایتند .

#### حقوق کودکان

در اسلام برای کودکان حقوقی معین شده  
که عبارتند از : مراقبت‌ها در حمل و زایمان  
پذیرش او ، مراقبت‌ها در تغذیه‌اش از شیر  
مادر ، نام‌نیکو ، ادب نیکو ، آموختن قرآن  
آموزش نوشتن ، آموزش فنون نظامی چون  
سواری ، تیراندازی ، شنا ، اکرام و اعظام او  
توجه به حفظ و تمامیت شخصیت طفل ، دفاع  
از جان و آبرویش ، آموزش راه و رسم و آداب  
زندگی ، تعیین موضعی خوب برای زندگی  
حال و آینده‌اش ، احترام به استقلال او ،  
تشویق و تحسین او برای رشد ، عدم تخدیر  
و تعرض به او ، توجه به پرورش ایمانی  
و اخلاقی او ، اجتماعی بار آوردنش ، آموزش  
راه کار و تلاشی مثبت ، رشد همه جانبه‌اش  
پرورش تن ، ذهن و روان او و کلا بار آوردن  
او بعنوان عضوی مفید از جامعه انسانی  
و مومن به مکتب . ضمناً این نکته قابل ذکر  
است که والدین هم در مکتب ما حقوقی

دارند که اقل آن اعظام واکرام واحسان به  
والدین ومعاشرت کریمانه است .

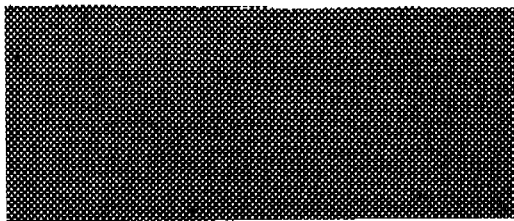
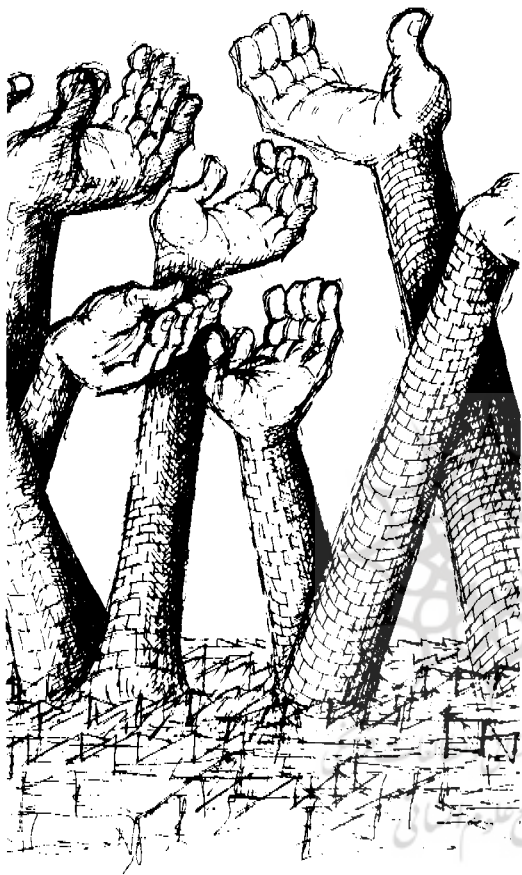
### آموزشها

بخشی از حقوق کودکان متوجه آموزشهاست  
وقسمتی از آموزشها که جزو حقوق کودکان  
بحساب میآید بدینقرارند :

آموزش مسائل مورد نیاز فرد ، مبنای  
اعتقادی ، آموزش فنون نظامی که از  
اختصاصات تربیت اسلامی است ، آموزش  
منطق واستدلال ، آموزش آداب ورسوم  
اندیشیده ، مقررات وضوابط زندگی ، رفتار  
اخلاقی ومذهبی ، نظم وترتیب ، رعایت  
حق وعدل ، اعتراف به اشتباه ، اقدام به  
اصلاح معایب خود ، آموزش فرائض ، آموزش  
وظیفه شناسی ، آموزش برای شناخت جهان ،  
آموزش تعهدات ، آموزش رهبری ، کنترلهای  
فردی وجمعی ، همکاری با جامعه ، شناخت و  
احترام به قانون ، آگاهی از نحوه  
اطاعت از خدا ورسول ،  
مبارزه با فساد ، نظارت اجتماعی ، همزیستی  
اندیشیده ، کسب آمادگی برای دفاع از جان  
و مال ومکتب و ناموس خود وجامعه و ...

### پرورشها

بخشی دیگر از حقوق کودکان متوجه پرورش  
آنهاست . اولویت پرورش از نظر مکتب ما  
بعهده والدین است . ولی چون فرصت و  
تخصص لازم را دراین زمینه ندارند کودک را



بمدرسه میسپارند . بدیهی است هرچه کار  
مدرسه و طرح و برنامه اندیشیده آن زیادتر و  
بهتر باشد امکان سازندگی کودک بیشتر  
است و نیز بهر میزان که توافق و همکاری بین  
خانه و مدرسه بیشتر باشد امکان اصلاح و رشد  
طفل زیادتر است .

جنبه‌هایی که در پرورش کودک مورد نظر  
است عبارتند از : پرورش وجدان توحیدی ،  
وجدان اخلاقی که این دو بحقیقت او پایگاه  
سعادت بشرند ، تغذیه روانی او از راه  
تعالیم مذهب ، تامین آرامش و بهداشت  
روان ، تملک نفس ، ایجاد عادات خوب ،  
پرورش استقلال و عزم و اراده ، اتکای به نفس  
تقوا و توکل ، رغبت به زندگی ، ایجاد  
سجایای اخلاقی ، اجرای حق و عدل ، داشتن  
عشق و محبت ، صمیمیت ، همکاری ، همدردی  
همسانی ، شرافت ، عزت نفس ، صدق و صفا  
معنویت ، وفای بعهده ، اعتماد به خدا ،  
انکای بحق ، اجتناب از زبونی ، عفو  
و بخشش ، گشاده روئی ، زیبادوستی ، و . . .  
در جمع متخلق به اخلاق الهی ساختن .

### روشها

روابط با کودک چه در جنبه آموزش و چه  
در جنبه پرورش باید براساس مهر و محبت ،  
خیرخواهی ، پنددهی و تذکر ، استفاده از  
نیروی عقل و تفکر ، ایمان ، خودداری از  
دورویی و نفاق ، برکناری از احساس حقارت  
تصفیه ناپاکی‌ها ، بازی با کودک ، دوری از

# فواید و ضرورت‌های تربیت

تربیت را اگر بمعنی مجموعه تدابیر برای هدایت و تحقیق امکانات بالقوه بدانیم می‌توانیم ارزش و فایده آن در حدارزش و اعتبار مفهوم زندگی ذکر نماییم . زیرا در سایه آن هدایت فردی ، اجتماعی ، عاطفی ، سیاسی اقتصادی ، عقلانی ، معنوی و ... صورت می‌گیرد و به افراد زندگی و تکامل می‌بخشد و از فنا و زوال نجاتش میدهد . و نیز تربیت در جنبه ایجاد رشد ، اخلاق ، انسانیت ، ترقی بشریت نقشی اساسی دارد و ما توضیح این ابعاد را تحت عنوان فایده و ضرورت تربیت مورد بحث قرار خواهیم داد .

فایده و ضرورت تربیت .

محتوای تعالیم اسلامی ارزش انسانی انسان را در سایه تربیت میداند و یادآور

## اصول و مبانی فرهنگ اسلامی

دکتر علی قائمی

میشود که اگر آدمی تربیت نشود ، احساسات و عواطفش تلطیف نگردد نه تنها فردی مفید نخواهد شد بلکه موجودی خطرناک و خطر آفرین میشود . ما بر مبنای آیات و روایات اسلامی این فایده و ضرورت را بشرح زیر دسته بندی نموده و بررسی خواهیم کرد .

الف - از لحاظ فردی : تربیت از این دید دارای فوایدی است که اهم آنها - - - - - بدینقرارند :

- رام کردن غرائز : گرچه برای رام کردن آن سه راه عقل ، علم ، تربیت وجود دارد ولی نقش تربیت از هر دو راه دیگر مهمتر است .

- پرورش عقل : عقول در سایه تربیت رشد و پرورش میابند .

- خودشناسی : در سایه آن ابعاد وجودی آدمی لااقل بر خودش مکشوف میشود .

- خودسازی : بر اثر آن امکانات اصلاح و سازندگی خود پدید می آید .

- پرورش تخیل : که در پرتو آن ابداع و اختراع و ادراک وقایع پدید می آید .

- داوری و حسن انتخاب : که در سایه تربیت فکر کلی جهت یافتن فرصت و قدرت ، ادراک قوانین ، ادراک حقایق پدید می آید .

- پرورش ذوق : یعنی حکمی که عقل مورد چیزهای زیبا ذکر میکند .

- پرورش وجدان : که وجودش برای اقدام به خیر و پرهیز از شر و محاکمه ناصواب ضروری است .

- تمایل به آزادی : که امتیاز انسان از

حیوان و شرط لازم رشد است .

- بلند نظری : که به آدمی امکان میدهد تا حجابی برای دیگران نباشد .

- حساسیت : که آدمی را از دخالت بی تفاوتی بیرون می آورد .

- ایجاد وزمینه کمال : که او را از حالت تمایل به شر و فساد نجات میدهد .

- شکوفائی : کودک پدیده ای خفی است که در سایه تربیت جلی میشود .

- پرورش ذهن : در سایه تربیت این ذخیره بالقوه به فعلیت در می آید .

- تسلط بر عواطف و احساسات : که بر اثر تربیت عقل بر عاطفه و احساس غالب میشود

- واداری به تحول : تربیت انسان را نمی آفریند ولی آدمی را وادار به خلق و تحول میکند .

- ایجاد طبیعت ثانوی : در سایه تربیت جنبه های همکاری ، تعاون ، خیرخواهی

در فرد پدید می آید .

- رفع معایب : خودخواهی ، خود بینی ، خودمداری ، ماجراجویی منفی در سایه تربیت از میان میرود .

- تسلط بر شور و : اگر آدمی در کشاکش دو نیروی خیر و شر تنها گذارده شود بدی بر او غالب خواهد شد .

- و بالاخره یافتن رشدی که در سایه آن بر نفس اماره تسلط یابد ، بر شهوات غالب گردد ، اختلاف در ابعاد شخصیتی از میان برود ، حرص او تعدیل گردد ، شعور بیاید

پیوند ۱۳

شخصیت پیدا کند و . . . . که این جنبه‌ها دارای فواید فردی ، اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی بسیار است .

ب - از لحاظ اجتماعی : تربیت در اصلاح و تنزیه جامعه موثر است ، بدون آن حیات آزاد و اصولی امکان ندارد ، ترقی انسانیت در گرو آن است . ذهن‌ها بر اثر تربیت از مرحله تخیل به جنبه عقلی ، علمی و اثباتی می‌رسد و نظر بهمین جهات است که اصلاح طلبان بزرگ هراقدامی را از این راه محقق می‌سازند . آنچه که در این جنبه از آیات و روایات میتوان استخراج کرد عبارتند از :

- خداوند سرنوشت هیچ قومی را عوض نمی‌کند مگر آنکه آنان در درون خود تغییراتی ایجاد کنند و خود سرنوشت خود را تغییر دهند .

- در درون کودکی از طریق تربیت میتوان به تشکل روحی و اخلاقی دست یافت .

- افراد جامعه ناگزیر باصلاح خویشند زیرا بدآموزیهایشان ذهن‌ها را تخدیر میکند .  
- از طریق تربیت میتوان عاداتی چون همکاری ، همفکری ، تعاون را در جامعه پدید آورد .

- دفاع عمومی ، کمک به افراد جامعه ، دوستی بین گروهها ، توسعه همبستگی ، درک جمعیت در سایه این امر است .

- هرکس در زندگی باید حاضر باشد و جا و مقام خود را پیدا کند .

- آنکس که خودساخته نباشد جامعه را

نمیتواند بسازد و ساختن جامعه ضروری است - تربیت زمینه را برای ایجاد جامعه مطلوب و تحول در آن از هر حیث فراهم میکند .

- رشد ملتها در سایه رشد وجدان اجتماعی است و این رشد در سایه تربیت است .

- درسایه تربیت اگر ۲۰ نفر ساخته شوند میتوانند بر صد نفر غالب آیند .

- تربیت موجب کاهش جرم است و حتی ریشه آن را می‌خشکاند .

- تربیت موجب سلامت ذهن ، استحکام خانواده ، توسعه اجتماعی ، پیشرفت مدنیت ، حفظ جامعه از تشمت ، رمز موفقیت تحرک اجتماعی و بالاخره قوام جامعه است .

ج- از لحاظ فرهنگی : فقدان آگاهی از بزرگترین مصیبت‌هاست . شرط پذیرش ایمان و عمل توام بودن آن با آگاهی است از طریق تربیت میتوان آنچه که مورد نیاز آدمی است به او القاء کرد و به وی آموخت ، این آموزش ضروری است از آن بابت که :

- جهان در آغاز ورود ما بدان عرصه‌ای ناشناخته برای ماست .

- ما دنیا می‌آئیم درحالیکه از اسرار این جهان خبری واطلاعی نداریم .

- چشم و گوش و دیگر حواس ما وسیله کسب معرفت و شناخت جهانند .

- از طریق آگاهی عمل ارزش مییابد .

- درسایه دانستن لغزشها و خطاها بحداقل خواهد رسید و آدمی از بوجی و هیچی بدر می‌آید .

— ما و جامعه ما نیاز به داشتن یک فلسفه صحیح از زندگی هستیم و این درسایه تربیت حاصل میشود .

— آداب و رسوم اندیشیده به زندگی رنگ و نظام می‌بخشند و ما نیاز به اطلاع از آن داریم .

— دانش و علم راه آسایش و فراغ و طریق کوتاهی را برای وصول به هدف در اختیار می‌گذارند و ما نیاز به کسب آن دویم .

— انتقال میراث فرهنگی ، ارزیابی و توسعه آن در سایه تربیت امکان پذیر است .

— از طریق دانش و اطلاعات ، ضایعات کمتر و میزان خطر اندک تر خواهد شد .

— قدرت بدست آوردن خواسته‌ها ، دفاع از شخصیت خود و جامعه بر اثر آن حاصل میگردد .

— و بالاخره از طریق تربیت کودکانهای مادرزاد را نمیتوانیم نابغه سازیم ولی در سایه تربیت صحیح صفات با ارزشی را میتوان در او ایجاد کرد .

— و از همه مهمتر تربیت ما و جامعه ما را به سازندگی و بازسازی ، اصلاح خود و محیط و امیدارد و آلودگی‌ها را از حیات ما دور میسازد .

د — از لحاظ اقتصادی : تربیت دارای نقش اقتصادی فوق‌العاده‌ای است و از نظر عقل نوعی سرمایه گذاری است نه از نوع کالای مصرفی — بهمین نظر باید بدان توجه شود .  
— تربیت موجب افزایش مهارت است .

— اتلاف و اسراف نیرو را بحداقل میرساند .  
— باعث پدید آمدن تخصص و آگاهی و در نتیجه اعتبار است .

— اندوختن و انباشتن علم در اسلام نوعی پسرانداز بحساب می‌آید .

— از طریق تربیت میتوان به ابداع و اختراع پرداخت .

— درسایه آن میتوان کار تهیه کرد .

— منابع زیر زمینی و رو زمینی در سایه آن استخراج میشوند .

— سطح تولید کشاورزی و صنعتی درسایه آن بالا میرود .

— صفاتی که انسان در سایه تربیت بدست می‌آورد خود نوعی ثروت است .

— و بالاخره اساس هر نوع پیشرفت و ترقی در جنبه مادی یا معنوی بدان وابسته است .

ه — از لحاظ سیاسی : فتح و پیروزی چه در داخل ، چه در خارج درسایه تربیت بدست می‌آید ، از طریق آن :

— روابط داخلی نظم می‌یابد .

— تابع و متنوع ، تخریب ، ایدئولوژی حاکم تعیین میگردد .

— طرز برخورد با افشار و طبقات ، گروهها و افراد انسانی میشود .

— از طریق آن میتوان جامعه را اوج داد و زمینه ترقی آنها را فراهم کرد .

بقیه در صفحه ۳۷





# رسالتی سنگین

مجید رشیدپور

ویژگی‌های معلم

، شاید عده‌ای چنین گمان کنند که معلمی کار آسان و ساده‌ای است و هر شخصی پس از مدت زمانی بهمه فوت و فن آن آشنا می‌گردد غافل از اینکه دشوارترین کارها شغل معلمی است .

۱- در درجه اول اعصابی آهنین و قدرتی پولادین لازم دارد زیرا معلم سروکارش با کودک است و کودک همانند نهال کوچکی است و تربیت و پرورش او نیازمند مراقبت و ظرافت خاصی است از این گذشته معلم باید بزبان کودکانه نیز آشنا باشد پس صبر و حوصله و تخصص و فداکاری لازم دارد .

۲- از همه مهمتر اینکه معلم با موجودی بنام انسان ارتباط دارد بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی دام‌ظله درباره شان معلم فرمود : معلم امانتدار است و انسان امانت اوست برای درک و شناخت دشواری کار معلم باید در درجه اول موقعیت و شان انسان شناسانده شود .

دانشمندان تربیت عقیده دارند که انسان پیچیده ترین موجودات جهان آفرینش است قرآن او را خلیفه‌الله می‌نامد . علی علیه السلام درباره انسان میگوید : انزعم انک جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر یعنی گمان نکنید که انسان یک موجود عنصری و مادی ناچیزی است بلکه در لابلای همین موجود کوچک کل جهان نهفته و پنهان است عرفا عقیده دارند که عالیترین موجودی که مظهر تجلیات الهی قرار میگیرد انسان است لهذا هرکه انسان را بشناسد خدایرا شناخته است من عرف نفسه فقد عرف ربه پس ارزش و بهاء انسان در میان موجودات جاندار از همه والاتر است این موجود پرارزش بطور امانت بدست معلم سپرده شده است

بدیهی است اگر الماس گرانقدری را یکسوی سپرده باشند پرواضح است که در حفظ و حراست آن تا سرحد جان پایداری خواهد کرد با اینکه قیمت و ارزش انسانی انسان بیکران و بی نهایت است از همین رو است که خداوند متعال برای ارشاد و راهنمایی اش یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر فرستاده و همه آنان بخاطر پاسداری از حریم انسان و انسانیت تا پای جان کوشیدند و عالیترین مظاهر فداکاری و پویائی را در تاریخ بشریت ثبت و ضبط نمودند .

۳- معلمی سوز و گداز می‌خواهد شخصی میتواند بشغل معلمی بپردازد که در وجود خود عشق و علاقه و آفری بانسان و انسانسازی داشته باشد چنین فردی در برابر همه دشواریها و سختیهای تعلیم و تربیت استقامت کرده از کار خود لذت خواهد برد و لحظه‌ای از راهنمایی و ارشاد انسان‌ها دست برنخواهد داشت آنانکه براساس انگیزه نان و دانه بکار معلمی می‌پردازند بزودی خسته شده از میدان در میروند .

رسول خدا (ص) علی علیه‌السلام را برای تبلیغ به یمن بیفرستاد و باو می‌گفت اگر کسی را خداوند بدست تو هدایت کند اینکار از خورشیدی که بکره خاکی میتابد و برکتش بیشتر است " لئن یهدی الله بک رجلا خیر لک مما طلعت علیه الشمس " ضمناً عکس قضیه از این حدیث استنباط میگردد یعنی اگر در تعلیم و تربیت یک فرد

انسانی مسامحه و تعلل شود بزرگترین خیانت نسبت بجامعه بشری انجام گرفته است . خداوند در قرآن میفرماید من قتل نفسا فکانها قتل الناس جمیعا اگر فردی کسی را بکشد چنان است که همه افراد جامعه را بقتل رسانده است بدیهی است که قتل فکر و اندیشه و معنویت از کشتن تن و جان انسانها گناهِش بیشتر و مسئولیتش سنگین تر خواهد بود .

با رفتار تان بخوبیها دعوت کنید . وقتی معلمی خود دیر بکلاس بیاید بدیهی است که سخنان چنین معلمی درباره نظم و انضباط بیهوده و بی اثر خواهد بود چنانچه پدری در محیط خانه بکودکان و همسر خود دروغ بگوید و در فرصتهائی هم به آنها پند و اندرز داده از دروغگوئی بازدارد پرواضح است که هیچگاه سخنانش موثر و مفید واقع نخواهد شد . دانشمندان از نظر علمی این نکته را باثبات رسانده اند که ۹۰% یادگیریها

### یک شرط اساسی :



پیش از آنکه به بیان این شرط بپردازیم باید توجه داشت که اصولا همه معلمان در فرصتهائی بشاگردان خود پند و اندرز داده و آنان را بر رعایت اصول انسانی دعوت میکنند مناسفانه نوع این راهنمائی ها نتیجه بخش نبوده است فقط عده ای معدود در اینکار موفق بوده اند که زبان کردارشان با گفتارشان یکنواخت بوده است یعنی آنچه را که گفته اند در رفتارشان تجسم پیدا کرده است . روی این مقدمه یکی از اساسی ترین شرایط معلمی مطابقت گفتار و کردار است شاگرد وقتی ببیند که معلم از نظر رفتار و کردار دارای وحدت و همبستگی است خود بخود تحت تاثیر او قرار گرفته بد اصول انسانی راهنمائی خواهد شد .

پیشوایان دینی فرموده اند که " کونوا دعاه الناس الینا بغير السنتمکم " یعنی انسانها را



بوسیله بیانی انجام میگیرد پس ساگرد باید اول اصول اخلاقی و انسانی را در رفتار و

کردار معلم مشاهده بنماید و آن معلم در نظرش انسانی مطلوب و برتر جلوه‌گر شود سپس به پیروی و اقتباس از او بپردازد .

رسول خدا (ص) با اینکه از برترین پیامبران اولوالعزم بود و عصمت و طهارتش بی‌نظیر بود مع‌هذا وقتی مادری نزدش آمده تقاضا میکند که فرزندش را از خوردن رطب باز دارد حضرتش اینکار را بروز دیگر موکول میکند چون قبلا رطب میل کرده بودند اینگونه رفتار از رسول خدا (ص) خود دلیل و سند زنده‌ای بر این است که شخص غیرعامل سخنش در دیگران موثرواقع نخواهد شد و شاید همین نکته و علل دیگری باعث شده است که پیروان مذهب شیعه شرط عصمت و طهارت را چنانچه برای پیامبران اعتقاد دارند برای امامان نیز حتمی و ضروری میدانند .

در قرآن مجید آیاتی وجود دارد که در مذمت و توبیخ اشخاصی وارد شده که کارشان تبلیغ و ارشاد مردم بوده است ولی خود بدان گفتارها عمل نمیکرده‌اند .

در سوره الصف آیه ۲ میفرماید یا ایها الذین آمنوا لم تقولوا مالا تفعلون کبر مقتا عندالله ان تقولوا مالا تفعلون : چرا آنچه را که عمل نمیکنید ب مردم میگوئید این کار خشم خدا را بر میانگیزاند .

در کتاب اصول کافی از ابی‌عبدالله علیه السلام این روایت نقل شده است : ان اشد الناس عذابا یوم القیمة من وصف عدلا ثم

عمل بغیره : یعنی شدیدترین افراد از نظر عذاب در روز رستاخیز کسانی هستند که در دنیا مردم را با اصول انسانی و اخلاقی سفارش میکردند و لیکن خود برخلاف آن رفتار مینمودند .

مربیان و معلمان اگر بخواهند سخنشان در دل‌های دیگران اثر گذارد باید خود بآن گفتار عمل نمایند والا کمترین تأثیری در دیگران نخواهد گذاشت .

مطابق همین واقعیت روایتی از ابی‌عبدالله (ع) اینچنین نقل شده است : ان العالم اذا لم یعمل بعلمه زلت موعظته عن القلوب كما تزل المطر عن الصفا : یعنی وقتی معلم و مربی بگفته خود عمل ننماید سخنان و اندرزهایش در دل‌های مردم نخواهد نشست چنانچه آب باران بر روی سنگها قرار نگرفته خواهد لغزید .

در خاتمه در تأیید مطالب گذشته روایتی از امام محمد باقر علیه‌السلام درباره معلم شایسته که نزد پروردگار ارج و قربی دارد نقل میکنیم : امام محمد باقر علیه‌السلام فرمود : " من تعلم العلم و عمل به و علم لله دعی فی ملکوت السموات عظیما فقیل تعلم لله و عمل لله و علم لله " هر که علم بیاموزد و بدان عمل کند و بخاطر خدا بدیگران بیاموزد چنین کسی در ملکوت آسمانها به بزرگی و عظمت یاد خواهد شد و گویند برای خدا آموخت و برای خدا عمل کرد و برای خدا بدیگران آموخت .

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

$$- ۵۸ - ۷ - ۲ \times ۲ =$$

## آموزگار

معلم چه چیز را می‌خواهد یاد بدهد ؟  
چرا باید یاد بدهد ؟ شاگرد چه چیز را مایل  
است یاد بگیرد ؟ چه دلیلی دارد که باید  
یاد بگیرد ؟ آیا اگر شاگرد بدانند این مطلب  
را که در این ساعت از معلمش گوش میکنند  
در زندگی آینده او موثر است بهتر دل  
نمیدهد و توجه نمی‌کند ؟



طی چندین سال در حدود سالهای ۱۳۲۵  
و ۱۳۳۲ و قبل و بعد از آن معمول بود که  
شاگردان دانشسرای مقدماتی که بایستی معلم  
بشوند موظف بودند در امتحان نهایی  
نمره‌ای بیشتر از ۸ از ریاضیات بگیرند . و  
عده زیادی از این قانون رنج میبردند و در  
واقع زجر می‌کشیدند . والبته با هر غذایی  
بود حدود صدی نود و هشت آنان این نمره  
را میگرفتند . اما واقعا چه دلیلی داشت ؟  
آیا همه این معلمان میبایست معلم ریاضی

هدف درس را  
برای شاگردان  
روشن نمایم .



آیا اگر اوقاتی را که با فشار عصبی صرف ریاضی کردند مصرف بهتر خواندن و دانستن مواد درسی دیگر که دلخواه شاگرد است میشد ، ثمر بخش تر نبود ؟

ممکن است برنامه ریزان جواب دهند که معلم بایستی معلومات عمومی داشته باشد و یکی از آنها ریاضی است . اما اگر بخشی از معلومات عمومی مورد علاقه شاگرد نیست و بزور بایستی یاد بگیرد یعنی به حافظه بسپارد یا بصورت ماشینی و مکانیکی به ذهن بسپارد و روز بروز هم از آن دلزده تر بشود تا چه اندازه اینگونه مطالب در ذهن دوام میآورد و اثر مفید آن کی در رفتار منعکس میگردد ؟

رغبت و هدف

باین نکته میرسیم که آیا برای یادگیری علاقه و استعداد لازم هست یا نه ؟ و چنانچه

بشوند ؟ اگر چنین است چرا درسهای دبستانی و دبیرستانی حدود پنج ششم اش غیر از ریاضیات است . اگر در دروسهای زبان جغرافی ، ادبیات و ... ریاضی دانستن میتواند مفید باشد آیا برنامه ریاضی دانشسرا بود که این فایده را میداد ؟

تجربه کردیم که از آن معلمان بیشتر از ۷۰٪ درسهایی غیر از ریاضی برعهده گرفتند و هرگز هم موردی برای نیمی از ایشان پیش نیامد که به آن ریاضیات مراجعه کنند . و چند دهه معلمی کردند و به نسبت در تدریس سایر مواد درسی غیر از ریاضی که برعهده داشتند موفق بودند . اما سؤال اینست که آن صرف انرژی زیاد که برای خواندن ریاضی در دانشسرا کردند کجا بازدهی داشت ؟ و بعضی که ثلث وقت فعالشان صرف خواندن ریاضیات طبق آن برنامه شد چه ثمری داشت

۲- وقتی بر اثر کار دلخواه وظیفه‌ای انجام میشود احتیاج به نظارت و مراقبت دیگران نیست .

۳- کار رغبت انگیز روبرشد است و باعث ابداعات جدیدی میشود و جامعه منفعت میرساند .

۴- وقتی فرد کار دلخواهی دارد، مشغولیتی داراست و در میان جمع هم متعادل است و جرو بحث و درگیری بوجود نمی‌آورد .

تحلیل فوق مربوط به زمانی است که رغبت موجود است و برای معلم هم، کلاس درس ایده‌آل آنستکه شاگردانش بدرس راغب باشند تا او با راحتی بیشتری تدریس کند و بازدهی کارش خوب باشد . اگر رغبت به درس موجود باشد شاگرد با هدف است میداند چه میکند و چرا فعالیت دارد . اما آیا ممکن است معلم کلاسی یا شاگردانی را انتخاب کند که از قبل همگی رغبت به درس او دارند یعنی هدف دار هستند ؟ یا ایجاد رغبت هم میسر است ؟

ایجاد رغبت ( هدف دار شدن شاگرد )

وقتی مربیان توصیه میکنند که برای شاگرد هدف را باید روشن کرد یک معنی‌اش اینست که در آنان بایستی ایجاد رغبت کرد معلمان تا حد زیادی قادرند که با تدابیر و هنرمندی که بکار میبرند در شاگردان ایجاد رغبت کنند . اگر شاگردان آگاه شوند که چه

بیک درس علاقه نباشد آیا دلیلی داریم که این فرد در سایر درسها ورشته‌ها نیز بیعلاقه است ؟ پس چه بهتر است که در تعلیم و تربیت علاقمندی و استعداد را بیشتر از پیش در نظر گیریم . وحتى الامکان ما بعنوان معلم بدنبال استعداد شاگرد و رغبت او حرکت کنیم . وجود رغبت از چند لحاظ در فعالیت شاگرد موثر و رعایت آن برای معلم مفید است الف- از لحاظ رشد شخصیتی شاگرد :

۱- وقتی رغبت به درس وجود داشته باشد شاگرد بهتر گوش میدهد سریعتر یاد میگیرد  
۲- محرک فعالیت برای شاگرد امری درونی است و معلم مجبور نیست بزور متوسل شود .

۳- کار رغبت انگیز قابل دوام است ، و شاگرد که راغب بدرس باشد خود یادگیر است .

۴- تکالیفی که متناسب با رغبت اند بوجه بهتری انجام میشوند ، و تحمیلی نیست .  
۵- شاگرد هرچه بیشتر موفقیت احساس کند بر شدت فعالیت خود میافزاید .

۶- در حین کار همواره چهره بشاش و شادمانی برقرار است و شاگرد غم و اندوهی ندارد .

نتیجه همه احوال و حالات فوق اینستکه شاگرد تعادل عاطفی دارد و سازگار و امیدوار است .

ب- رعایت رغبت از لحاظ منابع اجتماعی :

۱- وقتی شاگردی کارش مناسب رغبتش است اظهارنارضائی از افراد دیگر نمیکند .

پزشکی ، بهداشت ، کشاورزی ، رنگ سازی  
پالایش نفت ، جرمسازي ، نساجي و تهيه  
صابون بكار ميآيد ، شاگردان بيشتري بسه  
يادگرفتن علم شيمي و خواندن كتاب شيمي  
از خود تمايل نشان ميدهند .

دبيري داستاني بدين شرح تقريباً نقل  
مينمود : يكي از دبيران رياضي كه مثلثات  
تدريس ميكرد شاگردانش درس او را نمي -  
خواندند و علاقه لازم را بدرس مثلثات نشان

بايد بخوانند ، چرا بايد بخوانند ، اين  
درسي كه ميخوانند چه منفعتي درآينده  
نزديك و آينده دور براي آنها دارد ، مورد  
كاربرد اين درس در جامعه كجاست ، و مهمتر  
از همه بفهمد كه اين درس در زندگي آينده  
او كجا و چگونه مورد استفاده واقع ميشود .  
با كسب اين اطلاعات است كه شاگرد رغبت  
پيدا ميكند و درس براي او مطبوع و دلپذير  
ميشود .



نميدادند . و دبیر ماههائی را براین منوال  
گذرانده بود . روزی یکی از دبیران ورزیده  
از جریان بی‌علاقگی شاگردان به درس  
مثلثات باخبر میشود .

هر درسی در میان درسها از اهمیت ویژه‌ای  
برخوردار است و اگر شاگرد به ارزش علمی و  
انسانی آن درس آگاه گردد آن درس برایش  
معنی دارتر میشود . مثلاً وقتی که شاگردان  
شیمی میخوانند اگر دبیر شیمی برای آنان  
شرح دهد که علم شیمی در رشته‌های مختلف



# اعتراف به گناه

حَسَنُ الْإِعْتِرَافِ يُهْدِمُ الْإِقْتِرَافَ عَلَى عَلَيْهِ  
السلام : اعتراف نیکو کناهکاری را نابود  
میسازد .

الآن حَصَّصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتَهُ عَنْ نَفْسِهِ  
سوره یوسف آیه ۱۵

اکنون حقیقت آشکار شد من قصد فریب او را  
داشتم .

همه بدیختی‌ها و گرفتاریهای انسانها از گناه  
و عصیان است شاعر میگوید :

من ملک بودم و فردوس برین جایم بود

آدم آورد دراین دیر خراب آبادم

با اینکه پیامبران دامنشان از گناه و عصیان

پاک است ولی عامل تنزل و سقوط آدم از

فردوس برین نافرمانی او از نهی ارشادی

الهی بوده است .

ویرانی‌ها و قحطی‌ها و گرسنگی‌ها و مرضها و

بیماریها و جنگها همه و همه در اثر گناهان

بشری بوجود میآید .

علی‌علیه‌السلام میفرماید : خدایا گناهانی

که نعمت‌ها را تغییر میدهند ببخش ، خدایا

گناهانی که بلا و گرفتاری نازل میکنند ببخش

خدایا گناهانی که عذاب و گرفتاری نازل

میکنند ببخش ، خدایا همه گناهان مرا ببخش  
اما مَزِينِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِيفْرَمَايِدُ :  
الْبِسْتَنِي الْخَطَايَا ثَوْبَ مَذْلِي وَأَمَاتَ قَلْبِي  
عَظِيمٌ جِنَايَتِي : گناهان من جامه ذلت و  
خواری بر من پوشانده است و گناهان بزرگتر  
من قلم را میرانده است .

امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید : ما من  
شئ أَسْرُ لِقَلْبٍ مِّنْ حَطِيئَةٍ : هیچ چیزی به  
اندازه گناه قلب را فاسد نمیکند .

گناه چون شعله آتشی است که خرمن ایمان و  
تقوی انسانها را سوزانده خاکسترش را بباد  
خواهد داد .

دانشمندان دین گناهان را بکوچک و بزرگ  
تقسیم کرده اند میگویند گناهان کبیره آنهایی  
هستند که خداوند وعده آتش داده است و  
بقیه جزء گناهان صغیره خواهند بود . از  
برخی از روایات اسلامی چنین استنباط  
میگردد که هرگناه کوچک و صغیره ای باعتبار  
اینکه عصیان و سرکشی از دستور خداوندی  
است در حد خود بزرگ است .

از ابوالحسن علیه السلام نقل شده است که  
فرمودند : لَا تَنْتَظِرُوا إِلَيَّ صَغِيرَ الذَّنْبِ وَلَكِنْ  
انظُرُوا إِلَيَّ مَا اجْتَرَأْتُمْ : یعنی بکوچکی گناه  
منگريد بلکه ببينيد چه کسی را نافرمانی  
کرده ايد ، در برخی از روایات اسلامی  
گناهان باعتبار امکان بخشش و عدم آن بدو  
دسته کلی تقسیم میشوند گناهانی که بحریم

مال و جان و عرض مسلمانان تجاوز صورت  
گرفته باشد جزء گناهان نابخشودنی محسوب  
شده است مگر آنکه رضایت آنان تحصیل  
گردد .

اعتراف و اقرار بگناه جز در برابر پیشگاه  
پروردگار برای هیچکس جایز نیست و اینکه در  
صدر اسلام عده ای در برابر پیشوایان دینی  
بگناهان خود اعتراف میکردند بخاطر اجراء  
حد و پاک شدن بوده است .

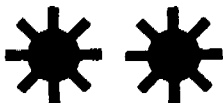
گناه همانند میکروبی روح انسان را بیمار  
میسازد باتوبه و اعتراف بگناه میتوان آنرا  
ریشه کن کرد و الا بتدریج گسترش یافته همه  
وجود ما را در بر خواهد گرفت در نتیجه از  
هر گناهی گناهی دیگر متولد خواهد شد مگر  
آنکه با اعتراف بگناه آنرا ریشه کن سازیم .

در قرآن مجید داستان مرد عابدی آورده  
شده است که در آغاز بگناهی ارتکاب ورزید  
بجای اعتراف و اقرار برای سرپوش نهادن بر  
آن گناه بزرگتر دیگری مرتکب گردید و  
سرانجام ایمان خود را بر باد داده کافر  
گردید برای اینکه بچنین عواقب دردناکی  
مبتلی نگردیم سزاوار است با شناخت گناه  
و پوزش طلبی از خدا و در برخی از موارد از  
انسانها از تکرار و استمرار آن جلوگیری بعمل  
آوریم و ضمنا توجه داشته باشیم که اعتراف  
بگناه خصوصا در مواردی که حقوق مالی  
و عرضی دیگران بخطر افتاده باشد امری

روحي نجات داده اند .

زليخاي عزيز مصر با اينكه در مجلل ترين قصرها زندگي كرده از عاليترين امكانات برخوردار بود ولي هر روز ضعيف تر و ناتوانتر و پژمرده ميشد زيرا ندای وجدان چون پتكي گران بمغزش نواخته ميشد چهره بيگناه نوجوان كنعاني كه روحش از قطرات باران صبحگاهي كه بر شقايق ريخته شده بود شفافتر و پاكتر بود در حالي كه در كنج زندانهاي مصر قرار داشت يك لحظه او را آرام نميگذاشت احساس ميكرد در زير بار گناه خرد ميشود .

تنها در آن هنگام خود را از همه كابوسها و تازيانههاي وجدان نجات يافته ميديد كه با صدائي رسا بحقيقت اعتراف كرده چنين گفت : اکنون حقيقت آشكار ميشود آري اين من بودم كه قصد فریب او را داشتم او پاک و پاکدامن بود زليخا پس از ادای این کلمات احساس کرد که همه سنگینیها از روی دوش او برداشته شده قدش از خمیدگی برسائی گرايید زیرا اعتراف بگناه در مواردی انسانها را از ملامتهاي وجدان نجات داده و گاه حقوق از دست رفته انسانهاي در پرتوش استيفاء ميگردد .



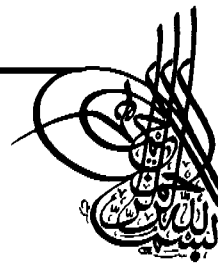
ضروري واجتناب نا پذير است .

شرمندگي و ندامت از گناهان خود توبه و بازگشت است اعتراف و اقرار نيز خود يك نوع شرمندگي و پوزش است .

بدبهي است كسي از ارتكاب عملي شرمنده باشد از انجام مجدد آن خودداري خواهد كرد .

— بر اثر اعتراف و پوزش طلبي ميتوان از استمرار تضییع حقوق مالي و حيثيتي ديگران جلوگیری بعمل آورد از اين گذشته ممكن است در پرتو اعتراف ديگران مجذوب شهامت و شجاعت اعتراف كننده شده نتايج و عواقب گناه نادیده گرفته شود .

— در مواردی گناهکاران برای فرار از مكافات با توسل به عوامل گوناگوني خود را از چنگال قانون نجات ميدهند ولي اينگونه افراد هيچگاه نمیتوانند خود را از عذاب وجدان رهائي بخشند زيرا هر انساني بزشتيهاي اعمال خود آگاهي دارد و همين آگاهي وجداني است كه شهد زندگي را در كام آنان زهر آگين خواهد ساخت ، فشار عذاب روحي آنچنان كوينده و خرد كننده است كه بسياري از افراد با اينكه در دادگاههاي قانوني خود را تبرئه ساختند ولي معهذا با پای خود بمحکمهها مراجعه کرده و بگناه و جرم خود اعتراف و اقرار کرده خویشان را از عذاب



برای میهنش خدمتگذار و فداکار شود ؟ چه کنم که فرزندم واقعا سعادتمند شود ؟ هم اکنون که به فرزند خردسالت مینگری اینگونه سئوالها را بخاطر میآوری و به آینده او چشم امید دوخته‌ای اینطور نیست ؟

آیا میدانی هر لحظه‌ای را که برای پرورش فرزندت میگذرانی ، عبادتی بزرگ انجام میدهی ؟ آیا میدانی که هرگامی که برای تربیت فرزندت برمیداری گامی در میدان جهاد برداشته‌ای ؟ و خدای بزرگ برای لحظه لحظه‌های عمرت که در تربیت فرزندت گذرانده‌ای پاداش و ثوابی عظیم به تو می‌بخشاید ، شاید نتوانی تصور کنی که تلاشی که در تربیت فرزندت میکنی ، چه میوه‌های شیرینی خواهد داد ؟ همین فرزندت که اکنون در تربیتش رنج میبری و تلاش میکنی گنج بی‌پایانی برای تو و دیگر انسانها خواهد شد . چشمه‌ای پرآب و حیات بخش خواهد گشت که کام تشنگان را سیراب و خنک خواهد کرد .

یکی از نکته‌های بسیار مهم که هر مادری باید بیشتر بآن توجه کند مراعات "عدالت" بین فرزندان است ، پیامبر به پدری که یک فرزندش را در مقابل فرزند دیگری میبوسید و نوازش میکرد ، و دیگری را فراموش کرده بود باناراحتی فرمودند : چرا یکی را نوازش کردی و آن دیگری را از یاد بردی ؟ چرا این فرزندت را بوسیدی و آن یک را نبوسیدی ؟ چرا مراعات عدل و عدالت را نکردی ؟

## سخنی با مادران

سخن با مادران است ، بانو مادر است که اینک برنوشته‌ام چشم دوخته‌ای ، آیا میتوان با دقت و محبت آنرا تا با آخر بخوانی ؟ بهترین اجر و پاداشی که انتظار دارم همان دقت و محبت شما است ، مگر نه اینست که دوست داری فرزندت را با بهترین روش تربیت کنی ؟ من بارها و بارها شنیده‌ام که بهترین راه و رسم تربیت را پرسیده‌ای چه کنم که فرزندم : لایق و شایسته گردد ؟ چه کنم که فرزندم پرتلاش و سلامت و نیرومند بارآید ؟ چه کنم که فرزندم فداکار و مبارز پرورش یابد ؟ چه کنم که فرزندم برای اسلام و مسلمین مفید باشد ؟ چه کنم که فرزندم برای کشور اسلامی :

پیامبر گرامی ما بی عدالتی را هیچ نمی-  
پسندد ، و پیروان راستین خود را ،  
مسلمانان را از هرگونه بی عدالتی نهی میکند  
کوچک باشد یا بزرگ .

پیامبر در این سخن به مهرورزیدن بفرزندان  
تاکید میفرمایند و در سخن اول از بی  
عدالتی خشمگین میشود و پدر را از فسرق  
گذاشتن میان دو فرزندش نهی میکند و باز  
میفرماید اتقوا واعدلوا فانکم تعیبون  
علی قوم لا یعدلون " تقوی را پیشه کنید  
منقی باشید و عدالت را پیشه کنید مگر شما

بی عدالتی را بدیگران عیب نمیگیرید ؟

بی عدالتی را چگونه میتوان جبران نمود ؟

عدالت مانند نهری پرآب از گلهای و  
شکوفه‌های زندگی شما همیشه شاداب و با  
طراوت نگهداری میکند ، وزندگی را بر شما  
زیباتر میسازد .

عدالت خانه شما را معطر و زیبا میکند ،  
خوشبوتر از گلهای و زیباتر از گلبوته‌های بهاری  
شاید هم اکنون که سختم را میشنوی ، فکر  
کنی که این سخن را از پیش میدانستی و آنرا  
بکار می‌بستی حتما همین طورا است ولی اگر  
بعد از این گفتار خود لحظه‌ای به رفتار خود  
بیندیشی ممکن است یک نشان پیدا کنی  
که آنچنان که معتقدی با عدالت همراه نیست  
مثلا گاهی ممکن است یکی از فرزندان را که  
دختر است بیشتر دوست بداری و یا آن یکی  
را که پسر است و شیرین زبانی بیشتری میکند  
بیشتر دوست بداری ، درست است که دوست



داشتن خیلی به اختیار خود انسان نیست  
ولی میزان دوستی شما نباید موجب تفاوت  
رفتار گردد ، میزان محبت شما نباید موجب  
تفاوت در برخورد شما شود . اگر چیزی  
تقسیم میکنی بایستی رعایت عدالت را  
بنمائی همانگونه که دخترت را میبوسی پسر  
را نیز ببوس مبادا که در عمل و در اظهار  
محبت و در آهنگ سخن و در تشویق و تنبیه  
رعایت عدالت را ننمائی .

از شما درخواست میکنم خود لحظه‌ای به  
رفتار و برخوردهای خود با فرزندان بنگر ،  
بخاطر بیابورد که چگونه با آنان رفتار کرده‌ای  
چگونه با آنان برخورد کرده‌ای ؟  
بین آیا نشانی از بی عدالتی در رفتار خود  
مشاهده میکنی ؟

آیا میتوانی یک نشان از بی عدالتی در  
رفتار خود پیدا کنی ؟ شاید اگر به دقت  
بنگری یک نشانه هر چند کوچک مییابی .



ودراین صورت بشما مژده میدهم که فرزندی  
رشیدو لایق و خدایپرست ومومن خواهی پرورد  
که بازوی توانایش در دنیا خدمتگذار و کمککار  
تو خواهد شد وبهنگام ضعف و ناتوانی  
بیاریت خواهد شتافت وصمیمانه یاریت  
خواهد کرد که این وظیفه را خدا برای او  
معین کرده است .

وهرگاه که دست بدعا بردارد ودعا کند  
وبگوید که : رب اغفرلی و لوالدی وارحمهما  
کما ربیانی صغیرا : خدایا او پدرم ومادرم را  
بیامرز و آنان را مورد لطف ورحمت خود قرار  
ده همانگونه که آنان مرا در کودکی مورد  
لطف ومهرخویش قرار داده بودند .

هرگاه که اینچنین دست بدعا بردارد خدا  
دعایش را مستجاب کند و پدر ومادرش در  
رحمت واسعه و مغفرت خویش فرا گیرد  
واجرها و پادشاهای بیدریغ وفراوان وزیبایش  
را برآنان نثار کند . **سیدعلی اکبرحسینی**

وقتی بهرفتار خود نگاه کردی وحتی یک نشان  
از بی عدالتی در آن ندیدی ، یقین بدان  
که نهر شاداب ونشاط وآزادگی وتقوی را به  
خانه خود کشاندهای یقین بدان تقوی را در  
خانه خویش پدید آورده ای .

فرزندان تو که از چشمه عدالت وتقوی  
مینوشند ودر کنار نهر شاداب عدالت تسو  
زندگی میکنند ، فرزندان تو که از چشمه  
عدالت رفتار تو مینوشند ، شاداب ونیرومند  
زندگی خواهند کرد وشادابی ونیرومندی را  
برای دیگران به ارمغان خواهند برد .

دوست داری چنین فرزندی بلند و نیروند  
آزاد وآزاده ، بانشاط وشاداب وسعادتمند  
بپروری ؟ حتما چنین امید وآرزوئی داری  
برای تحقق چنین امید وآرزوئی چه میکنی ؟

به کودکانم مهر میورزم با بوسه هایم نهال  
ایمان وعشق به خدا را در دلهایشان  
مینشانم و در میانشان به عدالت رفتار میکنم

طبق روال بین‌المللی انجمن‌های اولیاء و مربیان کشورهای مختلف مرکزی بعنـوان فدراسیون جهانی اولیاء و مربیان دارند که هر ساله یک سمینار در سطح جهان تشکیل میدهد امسال نیز همزمان با عید نوروز ما این سمینار در شهر سروفرانسه با شرکت نمایندگان کلیه کشورهای جهان تشکیل شد . روابط بین‌المللی انجمن اولیاء و مربیان ایران نیز ترتیب اعزام هیئت‌تی مرکب از آقایان سیدعلی‌اکبر حسینی و دکتر علی‌قائمی که از اعضاء شورایعالی انجمن بودند داد ، این هیئت قبلا برای تهیه ارمغانی از یکی از ره‌آوردهای انقلاب اسلامی ما در امر تعلیم و تربیت بصورت دومقاله مطـسول وچند بروشور تهیه نمود که مقالات به چهار زبان فارسی - عربی - انگلیسی و فرانسـه ترجمه وبصورت کتابی که پشت جلد آنرا در همین شماره مجله ملاحظه میفرمائید درآورد و همراه خود برد .

حاصل این سمینار بگفته شرکت کنندگان برای معرفی ایران بعد از انقلاب و انجمن‌های اولیاء و مربیان مدارس بسیار مفید بوده‌است وقرار شد ره آورد سفر آنها در شماره آینده از نظر گرامی شما خوانندگان عزیز بگذرد . ضمنا دومقاله کتاب شرکت کنندگان در سمینار نیز در این شماره پیوند بچاپ رسیده است .

خدایار ونگهدار شما باشد . پیوند

دانش‌آموزانی که از بی‌اطلاعی اولیاء سوء استفاده کرده وبه بهانه‌های مختلف از زیر بار تعلیم و تربیت شانه خالی میکنند واز زبان اولیاء خود به مسئولان مدرسه پیامهای خلافی میبرند و همچنین از قول مسئولان مدرسه در خانه نیز بدروغ میپردازند چون این چنین دانش‌آموزانی مطمئن هستند شما با مدرسه تماس ندارید هیچگاه اجازه ندهید آنها پی ببرند شما از مدرسه دور هستید و از حال واحوال اوبی خبر . . . . .

فرزند شما در منزل فقط بکارهای درستی خود میپردازد و مناسفانه در جامعه ما نیز رسم براینستکه بچه‌ها با پدر ومادر خود درد دل نمیکنند و از دوستان ورفقای همدرسی وهمبازی ومصاحب خویش جمله‌ای برزبان نمی‌آورند ، ولی در مدرسه مسئولان این چنین قضیاتی را براحتی حس کرده ولی بدون کمک شما قادر به کنترل او نخواهند بود ، همکاری اولیاء با مربیان مسئله جهانیتست ودر تمام کشورهای دنیا با هر سبک و روش سیاسی واقتصادی این قضیه را قبول ومورد تائید قرار میدهند و علاوه بر اینکه کلیه کشورهای دنیا مراکزی را برای این همبستگی دارند برای تبادل کارهای انجام شده وطرح وبرنامه‌های تازه سمینار - هائی نیز در سطح جهانی تشکیل میدهند .



# دوران نوجوانی و

# مسئولیت خطیر معلم

## طباطبائی

دوران جوانی از سخت‌ترین ادوار زندگی \* دارد تا از میان جامعه افرادی را انتخاب است و مسئولیت جوانان در این ایام بسیار \* کند و آرمانهای خویش را از آنها الهام بگیرد سنگین و طاقت فرسات در این ایام شخصیت \* تا هدایت شود و بالاخره ایده آل خود را جوان ساخته میشود و مقدمات آینده‌اش \* بوسیله رهبری او تحقق بخشد زیرا ممکنست پی‌ریزی میگردد ، جوان در این زمان مسی- \* با انتخاب قهرمانی در زندگی خویش چهره اندیشد تا صورتی از نتایج اعمال را در \* تازه‌ای دهد و خود را به اوج شخصیت و جامعه تصویر نماید و سپس آزادانه تصمیم \* فضايل انسانی برساند و از طرفی ممکنست بگیرد و مسیر زندگی خود را تا پایان عمر \* انتخاب مسیری زندگی خود را دگرگون نماید انتخاب نماید این دوران از بحرانی‌ترین \* اما قرآن کریم آن قهرمان و رهبر شایسته مراحل زندگی جوان است در این مرحله \* را که برنامه او الگوی زندگی و روش اجتماعی اعتقاد بانسانها یا موجودات متعالی و بر- \* برای مردم است پیامبر گرمای اسلام جسته یا به تعبیر واضح تر اعتقاد برهیسر \* و روشهای ارزنده او میداند و میفرماید :

و قهرمان طریق بوده است و عطش فراوانسی \*



- \* " لقد كان في رسول الله اسوه حسنه "
- \* اسلام جوان را ارزشمند میدانند و برای کامیابی
- \* او کوشش فراوان دارد و کسب فضائل را در
- \* دوران جوانی از ارزنده ترین کمال می‌شمارد
- \* امیرالمومنین علی علیه‌السلام میفرماید :
- \* " انها قلب الحدث كالارض الخاليه "
- \* فکر نوجوان مانند زمینی است که هنوز بذر
- \* افشانه نشده و آماده تحصیل هرگونه فضائل
- \* اخلاقی است باید در تحصیل سعادت
- \* او کوشید ، اسلام شدیداً با جوانی که خود را
- \* حقیر و پست بداند مبارزه میکند ، اسلام به
- \* جوان درباره معرفت نفس و شناختن خود
- \* سفارش میکند و در قرآن کریم بعنوان نمونه
- \* و قهرمان برای جوانان از جوانی بنام یوسف
- \* صدیق ( راستگو ) تقدیر شده و یک سوره
- \* پیرامون حساسترین مراحل زندگیش در
- \* مبارزه با نفس و خویشن‌داری بنام سوره
- \* یوسف آمده است ، اسلام جوان را به
- \* نیرومندی در فکر و عقل و کسب فضائل انسانی
- \* و عزت و پاکدامنی و دوری از هرگونه پستی و
- \* انحراف دعوت میکند و با برنامه های خود
- \* برای جوانان خواهان شخصیت عالی
- \* اجتماعی است .
- \* مسئله لزوم تربیت ورهبری نسل آینده
- \* موضوعی حتمی و غیر قابل انکار است ، همه
- \* معترفند که تربیت باید صحیح باشد و معلم و
- \* استاد در این مرحله نقش مهمی را ایفا میکنند
- \* بطوریکه علمای تعلیم و تربیت گفته‌اند
- \* (هدف تعلیم و تربیت ایجاد دگرگونی مطلوب



در شخص تربیت یافته است ) معلم باید بکوشد که یک موجود ناقص و بی تجربه را به سرحد ترقی و تکامل برساند با توجه باینکه اجتماع همواره رو به تکامل می‌رود و مقتضیات محیط اجتماعی هر نسل از نسل پیشین پیچیده‌تر می‌گردد پس روشن میشود که وظیفه معلم چقدر سنگین است چه در این صورت موظف است که تنها به یاد دادن یک مشت فرمول خشک و یا قاعده و دستور قناعت نکند و همش این نباشد که شاگرد مانند دستگاه ضبط صوت مطالب را گرفته و ضبط نماید و در امتحان آنها را طوطی‌وار تحویل دهد .

معلم باید احساس مسئولیت کند و بداند سرنوشت افرادی که به زودی وارد جامعه خواهند شد بدست او سپرده شده است .

معلم باید مانند یک سرباز فداکار در راه خدمت بانسانهایی که به کمک تربیت صحیح و اسلامی به اوج ترقی و تعالی میرسند بر اثر غفلت و بی‌توجهی در پستی و نا بخردی سقوط میکنند بکوشد و از خود گذشتگی نشان دهد و از این رهگذر تعهدی را که نسبت به جامعه دارد عمل کند و بالنتیجه افراد متعددی مسئول بار آورد .

معلم باید در ریشه کن ساختن صفات زشت که از هر بیماری خطرناکتر و وحشتناکتر است بکوشد و صفات عالی انسانی را در نهاد جوانان پرورش دهد و آنها را به گوهر هنر و فضیلت بیاراید .

معلم باید مانند پدر و مادری مهربان و

دلسوز و پیشوائی روحانی و عالیقدر احترام نوجوانان را بخود جلب نماید و با احترام متقابل و راهنمایی‌هایی عاقلانه آنان را به شاهره سعادت سوق دهد و از پرتگاه سقوط و انحراف حفظ نماید .

معلم باید سنبل فضیلت باشد و شاگردان بحد کافی باو ایمان داشته و او را مظهر صفات پسندیده و عالی انسانی بدانند و از هرگونه بی نظمی و عیب اخلاقی منزه و هر پند و اندرزى که به آنها میدهد خود بآن عمل کند و عالم بی عمل نباشد .

وظیفه معلم است که عملاً درس ایمان ، صداقت و درستکاری بنوجوانان داده و آنها را از عقاید پوچ و خرافی و بی بندوباری و بی‌ایمانی دور سازد و آنان را به پناهگاهی رهنمون شود تا در پناه آن به روان خود آرامش بخشیده و از نگرانیها و ناامیدیها ، اضطرابها ، تشویشها و حتی خودکشیها رهایی پیدا کند و دچار شرارت و دزدی و چالپوسی و خیانت و دیگر رذایل اخلاقی نگردد و از داشتن پناهگاهی بزرگ برخوردار و همه جا برای جامعه خود خدمتگزارى امین و دلسوز بوده و خدا را حاکم برگفتار و کردار خود بداند ، نیروی ایمان به خدا را در دلهای جوانان زنده کند تا در پرتو آن شخصیت خود را باز یابند و براعصاب خود مسلط شوند و یک نیروی کنترل کننده در درون آنها بوجود آید و به دنبال آن نهال اخلاق و فضیلت در وجودشان بارور گردد .

میآورد .

— تند خوئی ، بدبینی ، لاپالگیری ، ایذاء و شرارت ، خشونت و شدت ، سرکشی ، شهوت پرستی ، ریا ، خیانت ، استبداد فحاشی ، هتاکی ، تسلط طلبی ، تجاوزها ، توقعات بیجا و . . . . که همه وهمه برای حال و آینده کودک درس بدی میباشند .

کودک از خانه به مدرسه

طفل پس از یافتن رشد و آموختن تعالیم اساسی در خانه بسوی مدرسه رهسپار میشود ادامه کار او در مدرسه براساس شرایط ذیل متفاوت است :

۱— خانواده کودک را خوب تربیت کرده ولی برنامه مدرسه بگونه‌ای است که او را فاسد بار میآورد ، این امر از بلاهای بزرگ قرن ماست که موجب سقوط فرهنگ خانواده میشود . وظیفه والدین در چنین شرایطی سنگین و دشوار است . از نظر اسلامی آنها موظف به تربیت نیکوی او هستند اگر مدرسه نتواند این وظیفه را بانجام رساند حق کودک از میان نمیرود .

۲— خانواده کودک را بد تربیت کرده و مدرسه میخواهد او را از نوبسازد شک نیست که این امر قدم مثبتی برای طفل ولی رنج و مشکلی برای مدرسه است . اقدام به اصلاح و بازسازی کودکان وظیفه و نوعی حق است . زیرا طفل در همه حال امانتی از خدا بدست خود ، والدین و اجتماع است .

پستی‌ها و رذائل ، جلوگیری از جرات بر والدین ، آزادی مشروط و مفید ، الفت و انس تادیب او ، تعالی روان ، عشق به کمال ، تهدید و مجازات ، تکیه به عواطف ، پرورش و احیاء فطریات ، تعدیل غرائز ، استفاده از روش‌های سمعی و بصری ، براساس تشویق ، تنبیه ، توبیخ ، ملامت ، قهر کردن با کودک طرد دیکتاتوری ، تدبیر ، تفکر ، تعقل ، تقلید ، تلقین و . . . . است و در این راه برخی از رنجها را باید تحمل کرد تا موجبات اصلاح کودکان فراهم آید .

بدآموزیها

کودک در خانه و مدرسه ممکن است با بدآموزیهای مواجه شود که از آنجمله‌اند : — ستمکاری ، تحمیل که حتی ممکن است بصورت محبت خود را نشان دهد ولی در آینده موجب بدبختی او گردد .

— فریب ها ، عهد شکنی‌ها ، بدقولی‌ها ، تن پروری‌ها که هر کدام بنحوی در ویران کردن بنای اخلاقی کودک موثرند .

— کجروی و انحراف ، دروغگوئی ، شوخیهای بیجا که زمینه را برای ارتکاب همین رفتار جهت کودک فراهم میآورد .

— ترس‌های بیمورد ، دلواپسی‌های بیحساب ، بیانات همین امر را در طفل پدید

۳- خانواده و مدرسه در دنباله اهداف و برنامه هم قرار دارند . این زمینه برای کودک کمال مطلوب و حاصل چنین تربیتی سعادت آفرینی است . بی شک نقش انجمن اولیاء و مربیان ایجاد چنین رابطه و الفتی بین خانواده و مدرسه است .

هشدارها :

آنچه در زندگی خانوادگی و مدرسه برای طفل باید مورد نظر باشد عبارتست از مراقبت ها جهت سلامت جسم و جان کودک ، پرورش عواطف ، تعدیل غرائز ، مهربانی بطفل ، سازندگی در او بمنظور بارآوردن فردی وظیفه شناس ، خیرخواه و دارای حد مسئولیت .

آنچه باید توسط خانه و مدرسه تحت کنترل درآید عبارتست از کنترل معاشرتها ، مجالسهای ناصواب ، محبت های افراطی اغماض بیحساب ، خشم بی موقع ، تجاوز و زور ، استبداد ، خودسری ، مناظر بدآموز ، بی عفتی ، تهیج شهوات جنسی ، اضطراب عوارض روانی ، انحراف اخلاقی ...

در تربیت اسلامی رفت و آمدها تحت کنترل است ، حتی آمد و شد به اطاق والدین هم طبق ضابطه های است طفل همه وقت حق ندارد سرزده وارد اطاق پدر و مادر شود و چنین منعها برای جلوگیری از بعضی بدآموزیهاست .



## ضوابط در خانه و مدرسه :

تربیت باید در محیطی پاک و دور از انحراف صورت گیرد ، محیطی که در آن خیانت ، نفاق ، کجروی ، ناسازگاری نباشد طفل بتواند در آن رشد کند ، هم رشد مادی و هم معنوی از خطه سقوط اخلاقی دور و برکنار باشد ، محیطی که در آن محبت باشد ، خشونت نباشد ، اغماض و عفو باشد ، تشویق و تحسین و در مواردی هم توبیخ ، تغافل و بی اعتنائی باشد .

در محیط تربیتی باید عدل حاکم باشد ، رفتارها براساس ضوابط اندیشیده باشند . والدین و مربیان خود پای بند به مقررات و عامل به برنامه باشند .

از اساسی ترین شرایط تکامل و تعالی فرد زندگی او در محیط آزاد است . کودک باید آزاد باشد ولی آزاد مشروط و مقید ، زیرا از نظر مکتب ما تنها در چنان شرایط است که آدمی میتواند لایق مقام خلیفه الهی گردد آزادی های مطلق و بی بندوبار خطر و گاهی برای کودک عواقبی غیر قابل جبران میآفرینند .

مدرسه بهنگامی در کار خود موفق است که بتواند کار اساسی را که در خانه آغاز شده ادامه داده تکمیل کند . تضادی بین این نهاد و نهاد خانواده نباشد .

## ضوابطی در زمینه روابط :

منظور روابط خانه و مدرسه است که باید ضوابط زیر را تعقیب نماید :

۱- خانه و مدرسه باید نقشه و هدف واحدی را تعقیب کنند .

۲- مشاوره و مذاکره باهم برای سعادت مندی کودک ضروری است .

۳- بین خانه و مدرسه نباید تضادی در امر ونهی وجود داشته باشد .

۴- تجارب خانه و مدرسه باید در اختیار یکدیگر قرار گیرد .

۵- انجمن اولیاء و مربیان در این رابطه میتوانند نقش بنیادی داشته باشند .

## تکیه به دوران کودکی :

از نظر مکتب ما دوران کودکی دورانی زیر-ساز و نقطه اتکای محکمی برای تربیت است . حتی در سخنان حضرات معصومان ما آگاهی و علم دوران کودکی چون نقش در سنگ بحساب میآید . پرورش در این دوران دارای تاثیر عمیق و نفوذی فوق العاده است .

از نظر دیگر سن کودکی سن تاثیر پذیری است ، مجموعه احساسات ، عواطف و عادات کودک در این دوره رنگ میگیرند ، هر خوبی یا بدی برای همیشه در او موثر است \*

— او را از پای بندیهها و دنائت ها نجات داد .

— نفخه روح الهی را در او زنده کرد .

— وارستگی در او پدید آورد آنچنان که هر

چه نقل است از خود برجای گذارد .

— عاشق حق و علاقمند به قرب و لقای او

گردد .

— اخلاقش الهی و خداگونه شود .

— جز خیر و رفاه بشریت چیزی نطلبد .

— و بالاخره فانی فی اله گردد ، در راه خدا

دوست بدارد و در راه خدا دشمن بدارد ،

برای خدا خشم گیرد و برای خدا ببخشد .

ز— از لحاظ عوامل محیطی : آدمی خواه

و ناخواه ، بیش یا کم تحت تاثیر عوامل و

محیطی است که او را از هر سو احاطه

کرده اند ، خواه عوامل طبیعی ، خواه عوامل

اجتماعی ، تربیت میتواند :

— در موارد لازم از نفوذ این عوامل بکاهد و

یا آن را افزایش دهد .

— تاثیرات را در سایه اراده بالا برد و یا کم

کند .

— از انسان قدرت مقاومی در برابر آن عوامل

درست کند .

— در صورت لزوم آدمی را آمادگی بخشد که

اثر آن را در انسان گسترش بخشد .

— آگاهیش دهد که در چه محیط و موقعیتی

است .

— میزان عقب افتادگی و پیشرفت از یک دید مربوط به میزان تربیت و دانشی است که جامعه‌ای کسب میکند .

— روابط خارجی و طرز برخورد با ملل و ممالک در سایه آن سروسامان پیدا میکند .

— فکرهله ، جهان بینی‌ها ، فلسفه‌ها ،

برخورد آراء و عقاید در سطح ملی و بین‌المللی

بدان امر وابسته است .

— حکومت سیستم ها ، چه مثبت ، چه منفی

چه پیشرفته چه عقب مانده در سایه آن است

— اصولا پذیرش یک سیستم و یا مقاومت در

برابر آن به تربیت وابسته است .

— برای تغییر در سرنوشت جامعه از راه

ساختن و پروردن جامعه باید اقدام کرد .

و— در جنبه معنوی : ارزش آدمی به کمال

و ترقی اوست ، به وارستگی و تقوای اوست ،

از طریق تربیت میتوان :

— در آدمی حیات وصول به کمال را فراهم

کرد .

— راه و رسم ارتقاء و اوج‌گیری را به او

آموخت .

— رابطه منحی بین او و آفریدگار ایجاد

کرد .

— میل به صفات عالی چون ایثار ، گذشت ،

فداکاری را در او پدید آورد .